

پژوهشنامه تمدن ایرانی

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

دانشگاه شهید باهنر کرمان

سال اول، شماره اول، پاییز و زمستان ۱۳۹۷

نمایش باورهای شیعی بر سکه‌های دوره تیموری

رضوان احمدی پیام^۱

شهناز احمدی پیام^۲

چکیده

تیموریان، غیرایرانی تبار و سنی مذهب بودند و سلطنت آنها بر پایه تسامح، متکی بر تفکر و اندیشه اسلامی بود. مسکوکات از ابزارهای ارزشمند برای نمایش قدرت و اندیشه حاکمان محسوب می‌شدند. ضرورت انجام این پژوهش، بررسی سیاست مذهبی دوره تیموری با رویکرد بر سکه‌های آن عصر است. نوشتار حاضر به دنبال پاسخگویی به این پرسش‌هاست: اشکال مختلف باورهای شیعی بر سکه‌های دوره تیموری چگونه بوده است؟ استفاده حاکمان تیموری از شعائر مذهب تشیع بر سکه‌ها، متکی بر چه عواملی صورت پذیرفته است؟ نتایج گویای این است که در سکه‌های دوره تیموری با بهره‌گیری از عناصر نوشتاری و بصری، پنج گونه متفاوت از شعائر شیعی به نمایش درآمده‌اند. اهل بیت دوستی حاکمان تیموری، توجه به شیعیان برای کسب مشروعیت، نگرش مذهب حنفی به اهل بیت و ائمه، وجود مرقد امام رضا (ع) در قلمرو اصلی تیموریان، آنها را به تعامل در مقابل پیروان مذهب شیعه در جامعه تحت حاکمیتشان تشویق و ترغیب نموده است. گردآوری اطلاعات در نوشتار حاضر به شیوه کتابخانه‌ای و مشاهده مستقیم آثار بوده و روش تحقیق، تحلیلی- تطبیقی است.

واژه‌های کلیدی: دوره تیموری، سکه‌ها، باورهای شیعی، دارالضرب

^۱. عضو هیات علمی و مدیر گروه آموزشی فرش دانشکده هنر دانشگاه سمنان. (نویسنده مسئول)

^۲. مدرس تاریخ آموزش و پرورش.

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۱-۸-۹۷

تاریخ دریافت مقاله: ۹-۳-۹۷

Display of Shiite Beliefs on the Timurid Period Coins

Abstract

The Timurid were non-Iranian and Sunni people whose reign was based on moderateness founded on Islamic thought. Coins were considered as valuable tools to display the rulers' power and thoughts. The significance of the present study is to investigate the religious politics of the Timurid period by the approach to the coins of that era. This paper seeks to answer the following questions: How had different forms of Shiite beliefs been reflected on the coinage of the Timurid period? Based on what factors did the Timurid rulers use the ritual of Shiism on coins? The results indicate that five types of Shiite rituals had been featured on the coin of the Timurid era using written and visual elements. Reverence for Imams by the Timurid rulers, paying attention to the Shiites to gain legitimacy, the attitude of Hanafi to the Ahlul Bayt and the Imams, and the presence of the Holy shrine of Imam Reza (AS) in the main realm of Timurid encouraged them to interact with the followers of Shiite religion in the society under their sovereignty. The data were gathered through library style and direct observation of works and the research method was analytical-comparative.

Key words: Timurid period, Coins, Shiite beliefs, Dar al-Zarab

۱- مقدمه

عصر تیموری یکی از شاخص ترین دوران تاریخی است که بواسطه حضور سلاطین قدرت طلب و سیاستمدار خود توانست تعالی سیاسی، فکری و مذهبی را در ایران به نمایش گذارد. دین محوری به عنوان رکن اساسی در کشورداری تیموریان بود و سنی مذهب به عنوان یکی از فرقه های مذهبی در سایه گرایش قدرت حاکمه به آن صاحب قدرت بودند. بواسطه سیاست تسامح و تساهل حاکمان تیموری در کشورداری و اداره امور سبب گردید که شیعیان علی رغم قرار داشتن در اقلیت مذهبی جامعه، در سایه ای از عزلت قرار نگیرند. مستندات و مکتوبات بسیاری بر این امر تاکید می نمایند؛ یکی از شواهدی که در ادوار مختلف تاریخی ملل می تواند راهگشای زوایای پنهان شرایط سیاسی- مذهبی و اجتماعی قلمداد شود سکه های ضرب شده از سوی حاکمیت است. تیموریان سنی مذهب از این ابزار پیام رسان و قوی به خوبی در راستای یکپارچه نمودن جریان های مختلف اجتماعی و مذهبی بهره گرفتند؛ درج جملات و عباراتی با القاب و اسامی امام اول شیعیان یا صلوات بر امامان دوازده گانه ایشان در کنار عناوین خلفای سه گانه اهل سنت بر سکه های دارالضرب های تحت نظارت حاکمان تیموری، توانست اقلیت شیعیان را نیز با حاکمان سنی مذهب همراه سازد. در این مسیر نیز از اشکال و قالب های گوناگون در ترکیب بندی طرح سکه ها استفاده شد. سکه های به دست آمده با مشخصات یاد شده به طور محدود در موزه ها و کتب معتبر و مرتبط با سکه شناسی قابل بررسی هستند. قابل ذکر است که نمی توان درج باورهای مرتبط با شیعیان بر سکه ها از سوی سلاطین تیموری را صرفاً راهکار سودجویانه سیاسی دانست. بلکه در بررسی علل مؤثر نمایش شعائر شیعی بر مسکوکات دوره تیموری در جایگاه اسناد فرهنگی- تاریخی شواهد و اسناد معین می سازند که تمایل و عرض ارادت تیموریان تنها حربه سیاسی نبوده و آنها حرمت و دوستی مخلصانه ای نسبت به پیامبر اکرم

(ص) و سلاله ایشان ابراز می‌داشتند. نقش راهبری پیشوایان فرقه اهل سنت و حضور بارگاه امام هشتم شیعیان در تقویت کیفیت تمایلات شیعه دوستی تیموریان نیز نقش بسزایی داشته است.

۱-۱- بیان مسئله

دوره تیموری در حیات تاریخی ایران از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. حاکمیت نظامی گونه تیموریان غیرایرانی تبار، شکوفایی فرهنگی و فکری قابل تأملی را در جامعه ایران رقم زد. از دوره غزنویان تا پیش از عصر صفوی، حکومت‌ها در ایران تبار ایرانی نداشتند که تیموریان نیز از این قاعده مستثنی نیستند؛ بدین ترتیب، آنها مشروعیت سیاسی و اجتماعی‌شان را با منتسب نمودن خود به مغولان کسب کردند. با چنین ساختار حکومتی‌ای، مناسبات قدرت، مذهب و جامعه در دوره حاکمیت آنها شایان توجه است و بررسی وجوه مختلف تاریخی، فرهنگی و هنری می‌تواند در چگونگی سه عامل یادشده در این عهد راهگشا باشد. در جامعه تیموری، اسلام محور اصلی تفکر و جهان بینی دینی جامعه ایران بود؛ اما جمعیت غالب آن پیروان اهل تسنن بودند. از سویی، سکه‌های ضرب شده در ادوار مختلف، اسناد معتبر تاریخی هستند که می‌توانند زوایای پنهان شرایط سیاسی- مذهبی و اجتماعی جوامع را منعکس سازند و از سویی دیگر، یکی از ابزار قدرتمند و خاموش حکومت‌ها در جهت همراه نمودن طبقات و گروه‌های مختلف فکری و مذهبی در جامعه هستند. بدون شک، مندرجات سکه‌ها حاوی پیام‌ها و شعائری است که رسالت تبلیغ و اطلاع‌رسانی را بر عهده داشته‌اند. شعائر مذهبی با رویکرد به شیعه‌گرایی به شیوه‌های مختلف و در زمینه‌های گوناگون بصری بروز یافته است؛ درج نمودن شهادتین با تأکید بر ولایت حضرت علی (ع)، نام حضرت علی (ع) به تنهایی یا همراه با لقب متعارف ایشان که المرتضی بوده در کنار عناوین سه خلیفه دیگر، نام دوازده امام یا صلوات بر محمد (ص) و خاندان او از

موارد مرسومی است که به عنوان تظاهرات شیعه‌گرایی در قالب پیام‌های نوشتاری بر مسکوکات ادوار مختلف مشاهده شده است.

هدف از انتخاب این موضوع، بررسی سیاست مذهبی دوره تیموری با رویکرد بر سکه‌های ضرب شده آن عصر است. در این راستا، نمونه‌های در دسترس از سکه‌های دوره تیموری متعلق به کتابخانه و موزه ملی ملک و موزه بانک سپه مرکزی و نمونه‌های خارج از دسترس با استفاده از کتاب سکه‌های شاهان دوره اسلامی ایران که در زمان حاکمان مختلف ضرب شده‌اند، مورد بررسی قرار گرفته و ضمن توصیف ویژگی‌های هر یک، از نظر کاربست شعائر شیعی به صورت تطبیقی با یکدیگر مقایسه شده‌اند. لازم به ذکر است که در مطالعه موارد منقوش بر سکه‌های یادشده، از دو کتاب اصلی (فروغیان، ۱۳۹۱) و (شریعت‌زاده، ۱۳۹۰) استفاده شده است و در آنها، شناسنامه سکه‌های مستندسازی شده مشتمل بر مندرجات پشت و روی سکه که حاشیه و متن را در برمی‌گیرد، بر اساس کتب یاد شده است.

۱-۲- پیشینه پژوهش

در راستای پیشینه پژوهش در زمینه سکه‌های ضرب شده در ادوار مختلف، بررسی‌هایی انجام شده است؛ اما در این سیر مطالعاتی، تمرکز بر سکه‌های دوره اسلامی سهم کمی را داراست. کتب ثانویه در این حوزه عبارت‌اند از:

- * سکه‌های شاهان اسلامی ایران، (جمال ترابی طباطبایی، ۱۳۹۱).
- * سکه‌های اسلامی دوره ایلخانی و گورکانی، (جمال ترابی طباطبایی، ۱۳۹۱).
- * سیاست پولی و مالی تیمور و خاندان او و سکه‌های آنها، (عرفان توختی‌ف، ۱۳۷۷).

در دو کتاب نخست، ضمن ارائه اطلاعاتی پیرامون سکه‌های اسلامی در ادوار مختلف، آرشیو تصویری ارزشمندی از مسکوکات دارالضرب‌های پادشاهان سلسله‌های مختلف همراه با شناسنامه کامل گردآوری شده است. کتاب پایانی نیز، در باب سکه‌های ضرب شده در دوره تیموریان و شهرهای مختلف ماوراءالنهر، خراسان و ایران بر اساس سکه‌های نگهداری شده در بخش سکه‌شناسی موزه دولتی تاریخی ازبکستان است و در عین حال، اطلاعاتی نیز درباره سیاست مالی و اقتصادی تیموریان ارائه نموده است.

از مهم‌ترین مقالاتی که در این راستا نوشته شده‌اند، می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

* اهمیت علم سکه‌شناسی ایرانی، (سعید سلیمانی، ۱۳۹۱).

* نقش سکه‌شناسی در بازشناسی تاریخ و فرهنگ ایران، (محمود جعفری‌دهقی، ۱۳۹۱).

* تشیع در ایران به روایت سکه‌های تاریخی، (منصوره وثیق، ۱۳۸۶).

در مقاله نخست، (سلیمانی، ۱۳۹۱) با نگاه علمی به سکه، درجه اهمیت بررسی مسکوکات برای رسیدن به طبقه‌بندی مشخصی پیرامون سیر تحول و تطور مواردی چون: خط و زبان، سلسله‌های تاریخی، اصطلاحات و تعابیر بیان شده است. در نوشتار دوم، (جعفری‌دهقی، ۱۳۹۱) نقش بارز علم سکه‌شناسی در شناسایی تاریخ سلسله‌ها و سال‌شمار فرمانروایی هر یک از شاهان، ارائه چشم‌اندازی روشن از باورها، جهان‌بینی و اعتقادات مردم هر عصر، بررسی اوضاع و احوال اقتصادی و سیاسی هر منطقه، شناسایی زبان و خط هر سرزمین از طریق سکه‌های آنها، دریافت آرایش و پوشش شاهان و بزرگان گذشته و شیوه زندگی آنان مورد توجه قرار گرفته است. در مقاله پایانی، (وثیق، ۱۳۸۶) روند و سیر تحول مذهب شیعه اثنی‌عشری و زمینه تشکیل حکومت ملی صفویه مورد توجه قرار گرفته است؛ همچنین محقق، نگاهی کلی به تظاهرات تشیع در

سکه‌های همه ادوار تاریخ ایران داشته که از آن میان، مسکوکات دوره تیموری سهم اندکی را به خود اختصاص داده‌اند.

۱-۳- ضرورت و اهمیت تحقیق

با تحلیل موارد مذکور، مشخص می‌گردد که بررسی مسکوکات دوره تیموری در جایگاه یک سند فرهنگی- تاریخی برای دستیابی به شواهد بصری مرتبط با یکی از باورهای مذهبی موجود در جامعه آن زمان، می‌تواند حلقه مفقوده‌ای باشد که در پژوهش‌های یادشده بدان پرداخته نشده یا به قدر اشاره‌ای محدود کفایت شده است. باورهای مذهبی حاکم بر جامعه دوره تیموری تحت تأثیر مذهب سنی بوده است و شیعیان در اقلیت جامعه قرار داشتند. چگونگی و علل مؤثر در نمایش شعائر شیعی بر سکه‌های ضرب شده این دوران، هدف نگارنده نوشتار پیش‌روست. تأکید بر مذهبی خاص و شعائر مرتبط با آن در دوره‌ای تاریخی و دریافت سیاست مذهبی حاکمان با مطالعه زمینه‌ای همچون سکه‌ها، می‌تواند ضرورت انجام پژوهش حاضر، هر چند محدود و معدود باشد.

۲- بحث

۲-۱- گستره تاریخی- سیاسی تیموریان

تیمور بنیانگذار سلسله‌ای بود که از سال ۸۰۷ تا ۹۱۳ ه.ق در ایران حکومت کردند. تیمور پس از ۳۶ سال سلطنت و برجا گذاشتن قلمرویی گسترده در ۸۰۷ ه.ق در اوتار در گذشت. «حملة تیمور از ماوراءالنهر و پیشروی او به طرف شرق نزدیک، نهایتاً اوضاع و شرایط داخلی ایران را دگرگون کرد. تغییرات حاصله از این پیشروی، تنها به امور سیاسی یا ساختار حکومتی محدود نمی‌شد؛ بلکه تا حد بسیار زیادی ترکیب قومی ایرانی، شرایط اقتصادی و اجتماعی کشور و توسعه

فرهنگی آن را هم متحوّل ساخت» (جکسون و همکار، ۱۳۸۷، ج ۶: ۶۷). سیاست تیمور در طی دوره سلطنت و اداره ممالک تحت قلمروش بر این امر استوار بود که حکومت هر ولایت را به اعضای خاندانش یا حکام محلی مورد اعتمادش می‌سپرد و خودش در رأس تمام امور قرار می‌گرفت. «از تیمور سی و یک پسر، نوه، نبیره و نبیره‌زاده باقی ماند. جانشینان تیمور به لحاظ ساختار حکومتی، وارث تشکیلاتی بودند که تیمور بر اساس سنن مغولی بنا نهاده بود. تیمور و جانشینان وی از مشروعیت مغولی سود می‌بردند و خویشاوندی خود با دیگر مغولان را که عمدتاً از بیک‌های اولوس جوچی و خان‌نشین جغتایی شرقی بودند و عروس‌هایی از نسل چنگیز را از آنها می‌گرفتند، برجسته می‌کردند» (منز، ۱۳۹۰: ۳۳). به سبب نبود حکومتی متمرکز به‌خصوص پس از شاهرخ و تجزیه قلمرو تیمور در نیمه دوم سده نهم، تشکیلات او نتوانست بر آن اساس باقی بماند. تفاوت اساسی در ساختار حکومتی جانشینان تیمور با خود او، رجحان دادن قوانین اسلامی بر قوانین مغولی (یاسا) بود که پس از آنکه شاهرخ در سال ۸۱۵، قوانین یاسا را لغو و فقه اسلامی را جانشین آنها کرد، رایج گردید. پس از او نیز، بیشتر فرمانروایان تیموری، از جمله ابوسعید و سلطان حسین بایقرا به رعایت سنن اسلامی پایبند ماندند (ابن‌عریشاه، ۱۳۷۳: ۲۹۸).

۲-۲- جایگاه مذهب در حاکمیت تیموریان

حاکمیت تیموریان بر پایه قوانین اسلام بود. شرایط نامتعادل سیاسی و ظلم و چپاول صاحبان قدرت که نقطه اوج آن حمله مغولان بود، زمینه‌ای را فراهم آورد که روحیه مذهبی و دین‌گرایی و اعتقاد به یک نقطه اتکال در جامعه آن عصر قوت گیرد؛ همچنین وفاداری دائمی تیموریان و هواداران آنها به مشروعیت مغولی و ایده قانون چنگیزخان (یاسا)، بدون شک به جنبش‌های مرتبط با تقویت اسلام نیرو می‌بخشید. مذهب رسمی پادشاهان و شاهزادگان تیموری، مذهب

سنّی حنفی بود و بخش عظیمی از جمعیت ایران در دوران تیموری، سنّی مذهب بوده‌اند. اینکه مناطق خاصی همچون گیلان، مازندران، خوزستان و قهستان شرقی و اندک شهرهایی همچون ری، ورامین، قم، کاشان و سبزوار در خراسان از مراکز شیعه خاص اثنی عشری بوده‌اند، چیزی بیش از یک توصیف تقریبی نیست.

بخش عمده‌ای از جهان اسلام در این دوره، شدیداً دچار تغییر و تحوّل مذهبی بوده است. این تغییر و تحوّل با بیرون رفتن خلافت عباسی از صحنه، حاکمیت مغولان و کاهش نفوذ علما در شرق اسلامی آغاز گردید. مهم‌ترین جنبه‌های این تغییر و تحوّل، جلوه‌هایی بی‌شمار از دینداری توده‌های مردم، رشد رهبانیت اسلامی، حرمت اولیاءالله، حج، اعتقاد به معجزات، حرمت علی (ع) و به طور کلی اهل بیت بوده است. چنین پدیده‌هایی اغلب، مهر شیعی بر پیشانی دارند؛ اما این پدیده‌ها تماماً نشانه و سندی بر گرایش به تشیع نیست (جکسون و همکار، ۱۳۸۷، ج ۶: ۱۸۰-۱۸۱). نوسان میان سنّی و شیعه در قلمرو تیموریان، بی‌شک متأثر از خط‌مشی حاکمان در تمایلات مذهبی بود. برخی از شاهزادگان و امیران به مسایل مذهب بی‌توجه بوده و تنها امور سیاسی مدنظر آنها قرار می‌گرفت و زمانی هم که به حمایت از یکی از دو مذهب برمی‌خاستند، تنها بدان علت بود که می‌خواستند در میان مردم مقبولیت عام یابند.

تیمور و همه اطرافیان او مسلمان بوده و در اعتقاد دینی و مذهبی خود یا راسخ یا متظاهر بودند. او در عین خشونت و اقتداری که در حکومت خود داشت، نسبت به علمای مذهبی و مشایخ و اهل دین، مهربان و متواضع بود و در بسیاری موارد، تحکیم مبانی شرع مبین را بهانه جهانگشایی و فتوحات و خونریزی خود قرار می‌داد (میرجعفری، ۱۳۸۵: ۱۶۵). تیمور به برخی از لشگرکشی‌های خود عنوان جهاد می‌داد تا در شمار غازیان درآید و از این عنوان نیز نصیبی برد (یزدی، ۱۳۳۶، ج ۲: ۴۴۷).

تیمور به شیعیان اظهار دوستی و مودت می‌نمود؛ اما عده‌ای بر این اعتقادند که این کارش جنبه سیاسی داشته است. با این همه، او به شیعیان توجه خاص داشت و در برآوردن حوائج ایشان اهتمام می‌نمود. او با معرفی خود به عنوان دوستدار حضرت علی (ع) به برتری بر حریفان خود دست یافت؛ همچنین به نظر می‌رسد که هدف تیمور از اتخاذ این سیاست آن بود که هرگونه بهانه برای شورش علیه وی سرکوب گردد و او را در مورد حکومت خویش مطمئن سازد (الشیبی، ۱۳۵۲: ۱۶۱-۱۵۹). در این عهد، اختلاف میان پیروان تشیع و تسنن که زمینه‌ساز تفرقه‌افکنی و آشوب می‌گردید، کمتر بوده و هیچ سندی دال بر اینکه اهل سنت یا شیعیان، دیگری را تحت فشار گذاشته و یا به پیروی از مذهب خاندان سلطنتی مجبور کرده باشند، در دست نیست. پادشاهان این سلسله نیز، کم و بیش از آزادمندی در اعتقاد به تسنن یا تشیع برخوردار بوده‌اند.^۱

احترام به اولاد پیامبر موضوعی است که از سلطنت تیموری به بعد شایع و رایج می‌گردد. در تزوکات تیموری^۲ آمده است: «مرتبه آل محمد را از جمیع مراتب برتر داری و تعظیم و احترام ایشان بجا آری و افراد را در محبت ایشان اسراف ندانی که هر چه از برای خدا باشد، در آن اسراف نباشد» (حسینی تربتی، ۱۳۴۲: ۱۰۲). مورخان تیموری بیان داشته‌اند که احترام پادشاهان تیموری نسبت به ائمه اثنی عشر امری رایج بوده و ایشان به زیارت قبور برخی از امامان (به‌خصوص امام هشتم شیعیان) می‌رفته‌اند. علاقه و تعصب بر امامان شیعه در وجودشان در برخی موارد منجر به ایجاد حس تنفر در آنها نسبت به خاندان بنی‌امیه می‌گردید (نطنزی، ۱۳۳۶: ۳۷۹).

حقیقت تشیع در زمان حضرت پیامبر (ص) پی‌ریزی شد و در روز عید غدیر (حجه‌الوداع، سال دهم هجرت) رسماً اعلام گردید. برای این امر، طبق فرمان حضرت پیامبر (ص) از مسلمانان بیعت گرفته شد (محمدی‌اشتهاردی، ۱۳۷۱: ۱۷۴-۱۷۵). شیعه در اصل لغت به معنای پیرو است

و به کسانی گفته می‌شود که جانشین رسول اکرم (ص) را حق انحصاری خانواده رسالت می‌دانند و در معارف اسلام، پیرو مکتب اهل بیت هستند (علامه طباطبایی، ۱۳۷۴: ۲۳).

۲-۳- چگونگی نظام مالی تیموریان

امیر تیمور به عنوان بنیانگذار سلسله تیموریان به خوبی آگاه بود که اداره نمودن امور پولی و مالی قلمرو وسیعش از یک مرکز دشوار است؛ در همین راستا به حکومت‌های محلی اجازه ضرب سکه به نام تیمور و به اذن دولت مرکزی داده شده بود. «ضرب سکه‌ها با توجه خاص به وزن و خالص بودن طلا و نقره، مطابق با استاندارد تعیین شده دولتی از طرف حکومت مورد نظارت دقیق قرار داده می‌شد و آرایش محلی این سکه‌ها حفظ شده بود» (توختی‌یف، ۱۳۷۷: ۳۲)؛ همچنین، تیموریان دواوین متمرکز حکومتی نداشتند تا مسکوکات هماهنگی را در مناطق آنها تنظیم و ضرب کند؛ از این رو، آنها از معیارهای پولی دولت‌های مفتوحه خود بهره گرفتند و در قلمرو آنها انواع مسکوکات نقره‌ای با اوزان متفاوت موجود بود.

آنها به نوعی نظام پولی خود را بر شالوده تک‌فلزی مسکوکات نقره استوار ساختند؛ اما سکه طلایی هم موجود بود که ترکمانان قراقویونلوها در سال ۸۴۹ ه.ق در بغداد به نام شاهرخ ضرب کردند و همین سکه، حاکی از استیلای تیموریان بر عراق عرب است. سلیمان میرزا و شاهرخ در زمان سلطنت بنی‌امام مغولی‌شان، همایون و اکبر در هند، سکه‌های طلایی ربع اشرفی در بدخشان ضرب کردند. گاهی نیز سکه‌های مسی با نام تیمور و شاهرخ فرزند او، پیدا شده‌اند؛ ولی تعداد آنها بسیار محدود بوده و منتشر هم نشده‌اند. گمان می‌رود که تجار و بازرگانان عمده در مبادلات بازرگانی خود از مسکوکات طلای خارجی (دوکات و نیزی و اشرفی ممالیک که به صورت کالا فروخته می‌شدند) استفاده می‌کردند. به احتمال زیاد، حاکمان شهرهای بزرگ

برای سهولت خرید و فروش روزانه و مبادلات ساکنان شهرها مقدار زیادی سکه‌های مسی بی‌نام و نشان ضرب می‌کردند (تاکستن و همکاران، ۱۳۸۴: ۷۰).

۲-۴- مسکوکات تیموریان و ویژگی‌های آنها

مسکوکات در شناسایی تاریخ سلسله‌ها، باورها و جهان‌بینی اعتقادی و مذهبی، زبان، فرهنگ، هنر و حتی جغرافیایی که در آن تولید شده‌اند، راهگشا هستند. «سکه عبارت است از یک قطعه فلز به وزن معین که روی آن علامت رسمی دولت یا حکومتی که عیار و وزن آن را تعهد می‌کرده، منقوش شده است» (ملک‌زاده بیانی، ۱۳۸۱: ۱۸). به نظر می‌رسد که نام سکه در طول تاریخ، دستخوش دگرگونی‌هایی بوده است. ابن‌خلدون در قرن هشتم هجری قمری اظهار داشته است «سکه‌ها ابتدا نام مُهر آهنینی بود که برای ضرب به کار می‌رفت؛ سپس آن را بر اثری که از مهر به روی مسکوک‌ها پدید می‌آمد، اطلاق می‌کردند و رفته‌رفته، کلمه سکه در عرف و اصطلاح دولت‌ها بدین مفهوم اختصاص یافت» (ابن‌خلدون، ۱۳۵۲: ۴۹۱-۴۹۰).

قبل از ورود اعراب به ایران، نقوش سکه عبارت بود از تصویر سلاطین و سمل سلسله‌ها یا تولیدات مختلف شهرها؛ اما با آمدن اسلام، حکم بر حرمت تصاویر داده شد. نقوش هندسی و گل و برگ و ستاره و شعائر اسلامی نقر گردید؛ حتی در اوایل حکومت مسلمانان، ذکر نام خلیفه هم معمول نبود و فقط از روی تاریخ سکه، ضارب آن معلوم می‌گردید. (ترابی طباطبایی، ۱۳۵۵: ۳۱ و ۳۲)؛ بدین ترتیب، استفاده از شعائر مذهبی و نقل بسیاری از آیات قرآن بر سکه‌ها می‌تواند راهگشای اعتقادات دینی حکومت‌های ضرب‌کننده سکه باشد.

مکتوبات درج شده بر سکه‌ها به وسیله دولت وقت و در نقش یک رسانه با شعائر رسمی و مورد نظر و تأیید ایشان به‌عنوان یک کارکرد ثانویه، پس از رسالت اقتصادی که علت اصلی

ضرب سکه بوده است، ضرب می‌شدند و از لحاظ کمی نیز، نسبت به دیگر مکتوبات نظیر کتیبه‌نگاری‌ها یا مهرنوشته‌ها از تداوم تاریخی بیشتری برخوردار بودند؛ همچنین سکه‌ها راهگشای نقاط ابهامی پیرامون شرایط اقتصادی و مالی، اوزان و مقادیر، هنر حکاکی، سیر تحول خط، دین و مذهب و تقویم و گاه‌شماری هستند. بررسی هر کدام از آنها با در نظر گرفتن یک دوره تاریخی خاص، اهمیت ویژه می‌یابد.

تیمور بیشتر مسکوکات خود را به نام خانان جغتای دست‌نشانده خود، یعنی سیورغتمش بین سال‌های ۷۹۰-۷۷۱ ه.ق/ ۸۸-۱۳۷۰ م و محمود از ۸۰۶-۷۹۰ ه.ق/ ۱۴۰۴-۱۳۸۸ م و سرانجام به نام خود در آخرین سال عمرش، یعنی ۷-۸۰۶ ه.ق/ ۵-۱۴۰۴ م ضرب کرده است. هیچ‌یک از بازماندگان تیمور به نام خان جغتایی سکه ضرب نکرد؛ اما الغ‌بیگ، ابوسعید و احمد مثل تیمور از لقب کورکان (Kurakan) یا کورکن (Kureken) یعنی داماد استفاده کردند. کاربرد این اصطلاح می‌رساند که حاکم مزبور با یکی از خواتین خاندان سلطنتی جغتایی ازدواج کرده و نسب چنگیزخان را از طریق فرزندانشان ادامه داده‌اند. بیشتر حکمرانان تیموری خود را بهادرخان نامیده‌اند؛ لقبی که از زمان ایلخان ابوسعید و بهادرخان رواج یافت (تاکستن و همکاران، ۱۳۸۴: ۷۲).

افزون بر این، تیمور، الغ‌بیگ و ابوسعید در سکه‌های خود از «تمغا» استفاده کردند که از سه دایره در درون یک مثلث تشکیل شده بود و نشانه سلطنت آنها در پشت سکه بود. به نظر کلویخا، سفیر پادشاه اسپانیا، این تمغا معنای «تیمور، حاکم سه اقلیم است» را دارد. بعضی‌ها بر این اعتقادند که تمغای مذکور، شانه و سر گاو نر اخته است؛ یعنی گمان می‌کنند که فقط دو چشم و دهان و سر گاو نر اخته ترسیم شده است (توختییف، ۱۳۷۷: ۳۷). معمولاً نام ضربخانه در قابی در وسط روی سکه نقش می‌شد (ترابی طباطبایی، ۱۳۴۷: ۱۲۷). پشت سکه نام یا القاب امیران و به دنبال

آن جمله‌ای دعایی و اغلب اسامی ضرابخانه‌ها و تاریخ انتشار سکه نوشته می‌شد. عنوان معمول «السلطان الاعظم» بود؛ ولی تیمور بر روی مسکوکاتش هرگز عنوانی بالاتر از امیر یا امیرالمعظم ننوشت.

زبان به کار رفته در سکه‌ها عربی است؛ به طور کلی در دوره تیموریان از سه زبان فارسی، ترکی و عربی استفاده می‌شده است. زبان مسلط این دوره، زبان فارسی بوده که در قلمرو علمی چون تاریخ، ادب و شعر و تشکیلات دیوانی به کار می‌رفت. زبان عربی در دوره تیموریان همچون ادوار پیشین، زبان علم، فلسفه، هیئت و علوم مذهبی بوده است (تاکستن و همکاران، ۱۳۸۴: ۴۰-۴۴). سکه‌ها نیز به دلیل اینکه یک زمینه اقتصادی مناسب برای تبلیغ مذاهب بودند، بر روی آنها به خط عربی نوشته می‌شده است.

دارالضرب‌های عمده تیموریان در شهرهای بزرگی چون سمرقند و هرات قرار داشت؛ اما بر طبق اصول حکومت‌هایی از نوع نامتمرکز، ضرب سکه‌ها در شهرهای معتبر دیگری صورت می‌گرفته است. میراث عالی هنری تیموریان در مسکوکات آنها چندان جلوه‌ای نداشته است و ریخته‌گری آنها از حیث کیفیت متغیر است. پاره‌ای از این سکه‌ها نظیر سکه‌های جغتایی‌ها، خام و خشن است؛ ولی گروهی دیگر، از معیارهای هنری والایی همچون سکه‌های دارالضرب‌های غرب ایران برخوردار است. اغلب، ضرب سکه‌ها با بی‌مبالاتی همراه بوده است. در دوران تیموری، اتفاقاتی که در سکه‌زنی می‌افتد؛ مانند رقابت شدید شاهزادگان تیموری با یکدیگر و زدن انگ بر سکه^۳، رشد کمی و کیفی نقوش هندسی در سکه‌زنی تیموریان، روند شکل‌گیری خط نستعلیق و ... از ویژگی‌های سکه‌های قرون هشتم و نهم هجری قمری است (سلیمانی، ۱۳۹۱: ۳۹).

در بررسی کاربرد شاعر شیعی بر روی سکه‌های تیموری، نمونه‌های مورد بحث از سه منبع شاخص گردآوری شده‌اند. نمونه‌های در دسترس از دو موزه بانک سپه مرکزی و موزه ملی ملک به دست آمده‌اند و موارد دور از دسترس نیز، از کتاب سکه‌های شاهان دوره اسلامی ایران.

* چهار سکه از موزه ملی ملک مربوط به پادشاهانی با عناوین محمود امیر تیمور (۸۰۷-۷۷۱ ه.ق)، شاهرخ (۸۰۷-۸۵۰ ه.ق)، بابر و ابوسعید (موزه ملی ملک).

* یک سکه از موزه بانک مرکزی مربوط به حسین بایقرا (۸۴۲-۹۱۱ ه.ق).

* چهار سکه از کتاب سکه‌های شاهان دوره اسلامی ایران (ترابی طباطبائی، ۱۳۹۱) مربوط به پادشاهانی با عناوین محمود، عبداللطیف، امیر تیمور (۸۰۷-۷۷۱ ه.ق) و ابوسعید گورکانی. مشخصات مستندسازی شده نمونه سکه‌ها بر اساس شناسنامه‌ای موزه‌ای ارائه شده برای آنها در قالب جدول شماره ۱ ارائه می‌گردد.

۲-۵- چگونگی تظاهرات باورهای شیعی بر سکه‌های دوره تیموری

شاعر مذهبی با رویکرد به شیعه‌گرایی به اشکال و درجات مختلف بر سکه‌ها بروز یافت. سیر تشیع در ایران به تدریج و در حوزه‌های مختلف فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، ادبی و غیره اتفاق افتاد. یکی از این حوزه‌ها، نقر شاعرهای شیعی بر روی سکه‌های اسلامی است. نقر شعار شیعی قسمتی از آیه ۲۳ سوره شوری «ذَلِكَ الَّذِي يُبَشِّرُ اللَّهَ عِبَادَهُ...» در زمان خلافت مروان بن محمد (۱۲۷-۱۳۲ ه.ق) بر سکه‌های منسوب به ابومسلم خراسانی و پیروان او، اولین تغییر شجاعانه محسوب می‌شود که در «ریبه» سال ۱۲۸ ه.ق و در «جی» به سال ۱۲۹ ه.ق ضرب گردید که هر دو شهر از مراکز اولیه آزادی‌خواهی ایرانیان بوده است (ترابی طباطبائی، ۱۳۵۵: ۱۰).

به طور تقریبی، تمامی سکه‌های تیموری دربردارنده کلمه اهل تسنن با نام و لقب خلفای راشدین در حاشیه است؛ ولی در مسکوکات سه تن از حکمرانان مسامحه کار یعنی ابوسعید، حسین بایقرا و ابوالقاسم بابر از کلمه تشیع و نام دوازده امام استفاده شده و دارالضرب آنها هم بیشتر شهرهای شیعه‌نشین بوده است. شعائر شیعی نقر شده بر سکه‌های تیموری در قالب پیام‌های نوشتاری و بصری شامل موارد زیر هستند:

* نام حضرت علی (ع) در کنار عناوین سه خلیفه دیگر.

* نام حضرت علی (ع) همراه با لقب ایشان علی المرتضی در کنار عناوین سه خلیفه دیگر.

* شهادتین با تأکید بر ولایت حضرت علی (ع) «لا اله الا الله / محمد رسول الله / علی ولی الله».

* نام دوازده امام یا صلوات بر محمد (ص) و خاندان او.

* شیر و خورشید.

در تمامی سکه‌ها مندرجات نوشتاری وجود دارد. شعائر شیعی نیز در کنار نام پادشاه ضرب‌کننده سکه‌ها، سال ضرب و در برخی موارد هم محل ضرب، به دستور حاکمان سنی مذهب تیموری در ضرب سکه‌ها اعمال شده‌اند.

عمدتاً در پشت سکه‌ها نام حضرت علی (ع) در کنار نام سه خلیفه دیگر لحاظ شده است؛ همچنین در چند نمونه، نام خلفای راشدین همراه با القابشان نظیر ابوبکرالصدیق، عمرالفاروق، عثمان ذوالنورین و علی المرتضی ذکر شده است که در چگونگی انتصاب این القاب بدانها اندکی اختلاف نظر وجود دارد و از آنجا که در اغلب سکه‌های دوره تیموری دیده شده‌اند، نظریاتی در باب صحت این القاب در ادامه خواهد آمد.

عبدالله بن ابی قحافه عثمان بن کعب تیمی قرشی، ملقب به ابوبکر صدیق است که اهل سنت معتقدند این لقب از جانب پیامبر اکرم (ص) به او داده شده است. ابن جوزی، یکی از علمای

معروف اهل سنت در کتاب «الموضوعات» می‌نویسد: ابی درداء از پیامبر اسلام (ص) نقل می‌کند که آن حضرت فرمود: «در شب معراج دیدم که در عرش خداوند بر لوحی سبز با نور سفید نوشته شده بود: خدایی جز خدای یکتا نیست، محمد (ص) رسول خداست، ابوبکر صدیق و عمر فاروق است». ابن جوزی بعد از نقل این حدیث می‌نویسد: «این حدیث صحیح نیست؛ چراکه عمر بن اسماعیل در آن است و او کسی است که یحیی بن معین درباره او گفته است: سخن او ارزش ندارد و شخصی دروغگو و آدمی بد و خبیث است» (ابن جوزی، ۱۳۸۶، ج ۱: ۳۲۷).

از ابوذر غفاری (ره) روایت شده است که وی گفت: «از پیغمبر شنیدم درباره علی بن ابی طالب (ع) می‌فرمود: ای علی! تو اولین کسی هستی که به من ایمان آوردی و اولین فردی خواهی بود که در روز قیامت با من مصافحه می‌کنی و تویی بزرگ‌ترین راستگویان و تویی فاروق که بین حق و باطل را از هم جدا می‌کنی و تو پیشوای اهل ایمانی و ...» (شیخ طوسی، ۱۴۱۴: ۱۴۸). عقیلی از دانشمندان اهل سنت از علی (ع) نقل می‌کند که آن حضرت فرمود: «من بنده خدا و برادر رسول خدا (ص) هستم، منم صدیق اکبر و هر کس پس از من مدعی این مقام شود، دروغگو و بهتان‌زننده است» (عقیلی، ۱۹۸۴، ج ۵: ۴۲۸). در حدیث دیگری از ابن عباس نقل شده است: هیچ درختی در بهشت نیست، مگر روی برگ‌های آن نوشته شده «لا إله إلا الله، محمد رسول الله، ابوبکر الصديق، عمر الفاروق، عثمان ذوالنورین»، هیچ خدایی نیست جز خدای یگانه، محمد رسول خداست، ابوبکر راستگوست، عمر فاروق است و عثمان صاحب دو نور است.

علامه امینی می‌فرماید: این حدیث از جعلیات علی بن جمیل رقی است و از طرق مختلف از کتب عامه، کذاب بودن او به اثبات رسیده است (امینی، ۱۴۳۰، ج ۵: ۴۷۶-۴۷۸). مرتضی از اوصاف امیرالمومنین (ع) است به معنای پسندیده و مورد رضایت خداوند؛ همچنانکه در حدیثی از پیامبر (ص) نیز درباره وی آمده است. از آنجا که آن حضرت همواره در پی کسب رضای

خدا بوده و خشنودی خدا و رسول را در هر کاری در نظر داشته است، «مرتضی» نام گرفته است. ابن عباس گفته است: علی (ع) در همه کارها در پی رضای خدا و رسول او بود. جبرئیل هم به پیامبر (ص) گفت: ای محمد! خدای متعال علی را برای فاطمه و فاطمه را برای علی پسندیده است و راضی است او را مرتضی بنامید (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹، ج ۳: ۱۱۰).

شهادتین نیز در برخی سکه‌ها مشهود است که یکتایی خداوند، نبوت پیامبر (ص) و ولایت حضرت علی (ع) را مؤکد ساخته است. در برخی دیگر نیز، صلوات بر دوازده امام یا نام آنها حک شده است. در یک نمونه نیز، اشکالی بر سکه دیده شده که شعائر شیعی را نه با زبان نوشتاری، بلکه با زبان بصری ارائه نموده است؛ نقش شیری که در پس زمینه خود خورشیدی دارد و به نوعی در سایه حمایت او واقع شده است. این ترکیب بصری می‌تواند مفهوم خاصی داشته باشد. مفهوم مذهبی نقش شیر و خورشید در هنر اسلامی از اواخر دوره سلجوقیان مشاهده می‌شود. به‌خاطر تعصب و سرسختی سلجوقیان نسبت به شیعیان، این نقش به‌عنوان نماد شیعه در امامزاده‌ها و مراکز شیعی و در دوره‌های بعدی در حکومت شیعیان مورد استفاده قرار گرفته است. در اینجا نقش خورشید، نماد پیامبر اسلام (ص) و شیر، نماد حضرت علی (ع) منظور شده است (خزایی، ۱۳۸۰: ۳۸). برای تفکیک مناسب اشکال مختلف شعائر شیعی بر سکه‌های مورد بررسی، جدول شماره ۲ ارائه می‌گردد تا هر گونه از این تظاهرات به تفکیک تعداد و مکان درج عبارت مورد نظر مشخص گردد.

۲-۶- علل استفاده از شعائر شیعی بر مسکوکات به وسیله حاکمان تیموری

عوامل بسیاری می‌تواند زمینه‌ساز نمایش اشکال مختلف توجه و تأکید بر شیعیان و شعائر آنها در سکه‌های سلاطین تیموری باشد. در این راستا، رویکرد تیموریان سنی مذهب به مذهب شیعه و ائمه اطهار (ع) می‌تواند راهگشای دستیابی به علل این نمایش مذهبی بر پول رایج آن عهد باشد.

۲-۶-۱- دیدگاه تیموریان نسبت به تشیع

طبق مستندات که در کتب تاریخی و فقهی آمده، درباره نوع گرایش تیموریان به تشیع دو گرایش شکل گرفته است؛ اهل بیت دوستی و تشیع دوستی.

اهل بیت دوستی در میان اهل سنت، جریانی است با قدمت بسیار. در علت آن گفته‌اند: اهل سنت مطابق روایاتی که از پیامبر اکرم درباره فضایل اهل بیت رسیده است، به ایشان علاقه‌مندند؛ حتی گفته شده که پذیرش علویان در میان مردم به این دلیل است که آنها از اهل بیت بوده‌اند (جعفریان، ۱۳۶۹: ۲۹). انعطاف و تسامح تیمور در ابتدای سلطنتش و همچنین شاهرخ نسبت به شیعیان از اهل بیت دوستی آنان نشئت می‌گرفت. تیموریان ابتدا بیش از اظهار علاقه به تشیع، به اهل بیت پیامبر عشق می‌ورزیدند.

اوج نمایش اهل بیت دوستی تیمور، در حمله وی به شام رخ داد. او در این حمله با تکیه بر مهم‌ترین نماد شیعه، عمل یزید در به شهادت رساندن امام حسین (ع) را ظالمانه نامید و خود او را کافر شمرد. او همچنین با طرح اینکه اگر مردم شام با عمل یزید در آن مقطع زمانی موافق بوده‌اند، آنان هم گناهکار و ستمگرند، مردمان شام خود را نیز از این جهت که همچنان بر مذهب گذشتگان خود هستند، گناهکار دانست (ابن عربشاه، ۱۳۷۳: ۱۵).

تیمور در لشگرکشی به شام، به شیعیان خراسان اجازه داد مسجد اموی را که یادگار امویان و غاصبان حق آل علی بود، بسوزانند (همان: ۱۶۲)؛ اما حافظ ابرو به عمل تیمور در شام وجهه شیعی می‌بخشد و در کتاب خود که پس از مرگ تیمور نوشته، بیان می‌کند که این مملکت، چون تحت حکم معاویه و یزید بوده و ایشان، همه با اهل بیت مصطفی به تخصیص با داماد و برادر رسول اعنی امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب و فرزندان خاتون قیامت، فاطمه زهرا عداوت ورزیده‌اند و آنچه توانسته از جنگ و قتل و اسرا درباره ایشان به تقدیم رسانده، ناپاکی آن طایفه در نزد اهل ادیان، چون نافرمانی شیطان مشهور و معروف است ... (حافظ ابرو، ۱۳۷۲، ج ۲: ۹۲۴). اعتقاد به حرمت‌گذاری گسترده به خاندان پیامبر در دوره تیموری ادامه یافت؛ به گونه‌ای که عمل به آن، شاخص درست رفتاری در میان آنان شمرده می‌شد (منز، ۱۳۹۰: ۲۸۹).

برخلاف نظر برخی از مورخان، نباید همه توجه تیمور به ائمه شیعی را صرفاً به بهره‌برداری سیاسی او از این دوستی تعبیر کرد؛ زیرا او در تزویرات که انعکاس‌دهنده سیاست کشوری و لشگری اوست، در صحبت از مجلدهای (تجدیدکننده‌های) دین پیش از خود، از هفت کس نام می‌برد که سه نفر آنها بدین جهت مجلد دین بودند که به ائمه شیعی توجه داشتند: عمر بن عبدالعزیز در جلوگیری از سب حضرت علی، مأمون به دلیل انتخاب امام رضا (ع) به مقام ولایتعهدی و اولجایتو به دلیل اجباری ساختن صلوات (درود) توأمان بر حضرت محمد و آل او و نیز رسمی کردن مذهب تشیع. پیش از اولجایتو، صلوات فقط بر حضرت رسول اکرم فرستاده می‌شد (حسینی تربتی، ۱۳۴۲: ۱۸۲، ۱۸۸ و ۱۹۴).

سکه‌های سه تن از امرای بنام تیموری، یعنی ابوالقاسم بابر، ابوسعید و سلطان حسین بایقرا، در شهرهای شیعه‌نشین به جای نام خلفای راشدین به نام ائمه شیعی منقوش بود (تاکستن و دیگران، ۱۳۸۴: ۷۱)؛ اما در دوره سلطنت بایقرا، ظاهراً شیعه، به‌ویژه شیعه معتدل و غیرمتعصب،

به راحتی در کنار تسنن پذیرفته شد و شیعیان نه تنها مورد مذمت قرار نگرفتند؛ بلکه در مواردی نیز تمجید شدند. او وزیری شیعی به نام میرعلی شیر نوایی برای خود برگزید. در عهد وی، مهم ترین کتاب تبلیغی شیعه، یعنی روضه الشهداء به وسیله یک مرید نوربخشی به نام کاشفی تألیف شد.

«انتخاب تخلص» حسینی به وسیله باقرا در شعر، موجب شد که شیعیان تصور کنند او شیعه شده است؛ بنابراین از او خواستند خطبه و سکه را به نام دوازده امام تغییر دهد (زمچی اسفرازی، ۱۳۳۸، ج ۲: ۳۴۸).

بر اساس قول خواندمیر، باقرا همواره دل در دوستی اهل بیت داشته است و چون به سلطنت رسید، در صدد برآمد که خطبه و سکه را به نام ائمه شیعی کند؛ ولی با فشار جمعی از سنی مذهبان متعصب هرات، ناچار به قرائت خطبه به همان سبک اهل سنت شد (خواندمیر، ۱۳۵۳: ۳۹).

۲-۶-۲- توجه به شیعیان برای کسب مشروعیت

به گونه ای مشروعیت یافتن، قانونی بودن تعبیر می شود. در مشروعیت یابی مهم این است که حکومت کنندگان بدانند مردم تابع آنان، چه حکومتی را مشروع می دانند و بکوشند به آن باورها نزدیک شوند (قاضی، ۱۳۷۷: ۲۹۹). پیش از هجوم مغول به جهان اسلام، تنها یک منبع مشروعیت رسمی وجود داشت که آن مشروعیت، ناشی از خلفای عباسی بود. با حمله مغول و سقوط خلیفه عباسی در سال ۶۵۶ ه. ق، این باور سنتی از میان رفت و حکومت ها مجبور شدند دیدگاه مردمی را که بر آنها حکومت می کنند یا خواهند کرد، بشناسند و با تشبث به آن منابع، برای خود مشروعیت کسب کنند.

با سقوط خلافت عباسی، ظهور حکومت‌های شیعه‌مذهب در اطراف و اکناف کشور آغاز شد که حکومت‌های سربداران در خراسان، مرعشیان در مازندران، آل‌کیا در گیلان و مشعشیان در خوزستان از این جمله‌اند. در برخی نواحی نیز فزونی تعداد شیعیان، حکومت‌های سنی‌مذهب آن مناطق را به تساهل در برابر تظاهرات شیعی و امی داشت که شائبه شیعه‌بودن آنها مطرح می‌شد. تیمور و جانشینانش نیز یکی از شیوه‌های کسب مشروعیت را توسل و توجه به شیعیان می‌دانستند.

همچنین، برخی شهرهای مهم ایران و عراق عرب، مانند قم، کاشان، نجف، کربلا، حله و کوفه شیعه‌نشین بودند. تیمور در مسیر خود به سوی مدیترانه با شیعیان روبه‌رو بود و با تمسک به شیعه‌دوستی، نه تنها از مخالفت آنها جلوگیری نمود؛ بلکه در حد توان، آنان را با خود همراه ساخت و ظاهراً در این کار نیز موفق شد؛ زیرا مطابق گزارش ابن‌عربشاه، تیمور با کسب رأی یک رهبر شیعی به نام شریف محمد، علی مؤید سربداری، رهبر سربداریه را با خود همراه کرد (ابن‌عربشاه، ۱۳۷۳: ۲۸-۳۱).

۲-۶-۳- نگرش مذهب حنفی به اهل بیت و ائمه

تمامی حکومت‌های ترک حاکم بر ایران پیش از صفویه، حنفی‌مذهب بودند. تیموریان نیز نمی‌توانستند از این قاعده مستثنا باشند. پیشوای این مذهب، ابوحنیفه به سال ۸۰ قمری در شهر کوفه که مهم‌ترین پایگاه آن روز تشیع بود، متولد شد و در نتیجه از همان ابتدا با اهل بیت پیامبر پیوند یافت. گویند پدر بزرگ و پدر او با حضرت علی (ع) روابط نزدیکی داشتند و آن حضرت در حق آنان دعای خیر کرده است (ابوحنیفه، ۱۳۴۲: ۲). ابوحنیفه به اهل بیت، به‌ویژه

حضرت علی (ع) علاقه‌ای خاص داشت و از امام شیعی زمان خود، امام صادق (ع) مطالب بسیاری آموخته بود و بسیاری از مشایخ ابوحنیفه، از بزرگان شیعه بودند (زرگری نژاد، بی تا: ۳۱۵). همچنین ابوحنیفه با امویان در ستیز بود. او در راه این مخالفت تازیانه خورد (بغدادی، بی تا، ج ۱۳: ۳۲۶) و به زندان افتاد و اساساً علویان را بر امویان و عباسیان مقدم می‌داشت و ظاهراً به شایستگی و حقانیت ایشان در تصدی مقام خلافت معترف بود (زرگری نژاد، بی تا: ۱۸۰)؛ بنابراین، تیمور برای توجیه فقهی اهل بیت دوستی و اموی‌ستیزی خود نزد اهل سنت که در آن زمان هنوز اکثریت جامعه را تشکیل می‌دادند، نه تنها مشکلی نداشت؛ بلکه با تظاهر به این عقاید، افزون بر جلب محبت و حمایت شیعیان، خود را پیرو واقعی ابوحنیفه نیز جلوه می‌داد.

۲-۶-۴- وجود مرقد امام رضا (ع) در قلمرو اصلی دولت تیموری

از میان ائمه شیعه، تنها بارگاه امام هشتم (ع) در قلمرو اصلی ایران قرار دارد. امام رضا (ع) در مقایسه با دیگر علویان مدفون در ایران، نزدیک‌ترین فرد به حضرت رسول اکرم (ص) و صحیح‌النسب‌ترین آنان است. این مرقد شریف همواره برای حاکمان، فارغ از نوع مذهبشان، مکان مقدسی شمرده می‌شد. در دوره تیموری نیز، اهمیت این مرقد حفظ شد و همچنان مقصد زیارتی و کانون قدرت مذهبی در ایران بود (منز، ۱۳۹۰: ۲۸۷). بدین ترتیب بخشی از احترام تیموریان نسبت به شیعیان، متأثر از مقام این امام نزد تیموریان بود. در منابع تاریخی از زیارت‌ها و التج بردن‌های الغیبگ (خواندمیر، ۱۳۵۳، ج ۴: ۲۸)، ابوالقاسم بابر (همان: ۵۳) و حسین بایقرا (همان: ۱۴۴) و عرض ارادت ایشان به حضرت رضا (ع) نیز نام برده شده است.

۳- نتیجه‌گیری

سیر تاریخی سکه‌های تیموریان مبهم بوده و بقایای موجود بر سکه‌ها نیز، وضوح کاملی ندارند. همین امر سبب گردیده که پژوهش دربارهٔ مسکوکات تیموریان محدودیت داشته باشد. شیعیان سهم اندکی در جامعه سنی‌مذهب تیموریان داشتند؛ اما توجه برخی از سلاطین تیموری به تمایلات شیعیان و کاربست شعائر شیعی در ابزاری همچون سکه‌ها، قابل تأمل است. درج نمودن نام حضرت علی (ع) به تنهایی یا همراه با لقب متعارف ایشان که المرتضی بوده در کنار عناوین سه خلیفهٔ دیگر، شهادتین با تأکید بر ولایت حضرت علی (ع)، نام دوازده امام یا صلوات بر محمد (ص) و خاندان او در قالب پیام‌های نوشتاری و حتی کاربست نمادگرایی تصویری در برخی موارد، نظیر کاربست شیر و خورشید که به ترتیب نماد حضرت علی (ع) و پیامبر اکرم (ص) در ادوار اسلامی هستند، از موارد مرسوم است که به‌عنوان تظاهرات شیعه‌گرایی بر مسکوکات تیموریان مشاهده شده است. نمایش موارد مذکور در سکه‌های تیموریان به عوامل درونی و بیرونی وابسته است. تمایل به اهل بیت پیامبر و نهایتاً شیعه‌دوستی حاکمان و سلاطین تیموری، علاقه و تمایل قلبی آنها را مؤکد می‌سازد. حرمت‌گذاری به خاندان پیامبر اکرم (ص) اعتقاد رو به گسترشی بوده که عمل به این الگو به گونه‌ای، شاخص درست رفتاری در میان آنان شمرده می‌شده است. بدین ترتیب، نمی‌توان توجه تیموریان به ائمه شیعی را صرفاً به هدف بهره برداری سیاسی آنها از این تمایل و عرض ارادت تعبیر نمود. کسب مشروعیت تیمور و جانشینانش با توسل و توجه به شیعیان، نگرش پیشوای مذهب حنفی به اهل بیت و ائمه و تبعیت سنی‌مذهبان از وی در علاقه به اهل بیت، به‌ویژه حضرت علی و در نهایت هم‌جواری پایتخت تیموریان با بارگاه مطهر حضرت رضا (ع)، از عوامل بیرونی هستند که زمینهٔ توجه و تمایل تیموریان به مذهب تشیع و پیروان ایشان را فراهم آورده‌اند. همهٔ عوامل یاد شده سبب گردیده که شعائر شیعی با

کیفیت‌های مختلف در زمان سلطنت برخی از پادشاهان به نمایش درآیند و مسکوکات به‌عنوان ابزاری قدرتمند در این راستا و در ادوار مختلف ایفای نقش نمایند.

جدول ۱- شناسنامه مسکوکات تیموری با توجه به مندرجات پشت و روی سکه‌ها

نام فرمگرو یا گورگانی	سال ضرب	محل ضرب	مندرجات روی سکه	مندرجات پشت سکه	تصویر سکه
ابوسعبد گورگانی	797 هـ.ق	ایرفو	مَن: سلطان محمود خان امیر تیمور گورگان خلد الله ملکه حاشیه: ای شهر سنه سبع و انصین و سیمانه	مَن: در برج وسط لاله الا الله / محمد رسول الله به خط کوفی بنایی یا معنایی حاشیه: ابوبکر / عمر / عثمان / علی	
شاهرخ	807-850 هـ.ق	۱	مَن: السلطان الاعظم شاهرخ بهاجر خلد الله و سلطانه ساری حاشیه: ---	مَن: لاله الا الله / محمد رسول الله حاشیه: ابوبکر / عمر / عثمان / علی	
ابوالکاسو یار	851-862 هـ.ق	۲	مَن: سلطان یار بهاگر حاشیه: السلطان الاعظم خلد الله ملکه و سلطانه	مَن: تاران سورشارز با غبارت لاله الا الله / محمد رسول الله / علی ولی الله حاشیه: ---	
ابوسعبد	867 هـ.ق	ایروز	مَن: السلطان الاعظم سلطان ابوسعبد گورگان بهاگر خلد الله ملکه و سلطانه / ایروز 867 حاشیه: ---	مَن: لاله الا الله / محمد رسول الله حاشیه: ابوبکر الصدیق / عمر الکرمین / عثمان ذی النورین / علی المرتضی	
حسین بابرا	896 هـ.ق	استرآباد	مَن: السلطان الاعظم ابوالغازی سلطان حسین بهاجر خلد الله و ملکه و سلطانه حاشیه: ---	مَن: لاله الا الله / محمد رسول الله حاشیه: ابوبکر الصدیق / عمر الکرمین / عثمان ذی النورین / علی المرتضی	
محمود	861-863 هـ.ق	استرآباد	مَن: شاه محمود بهاگر خان سنه 861 حاشیه: السلطان الاعظم خلد الله ملکه و سلطانه ضرب استرآباد	مَن: لاله الا الله / محمد رسول الله / علی ولی الله حاشیه: اسمعیل دوازده امام	
عبدالطیب	853-854 هـ.ق	استرآباد	مَن: الغافل العادل و الملک الکامل ابوالغازی عبدالطیب بهاجر خان خلد الله تعالی ملکه و سلطانه ضرب شیرمرد حاشیه: ازینت	مَن: لاله الا الله / محمد رسول الله / علی ولی الله حاشیه: امیر المومنان ابوبکر رضی الله عنه / امیر المومنان عثمان رضی الله عنه / امیر المومنان علی رضی الله عنه	
امیر تیمور	771-807 هـ.ق	استرآباد	مَن: ضرب استرآباد سنه ست لمانین و سیمانه امیر تیمور حاشیه: ازینت	مَن: لاله الا الله / محمد رسول الله / علی ولی الله حاشیه: اسمعیل دوازده امام	
ابوسعبد گورگانی	853-854 هـ.ق	استرآباد	مَن: فومنداره نشی بر ستواری و مائل آن نشی که نصبت خود را بلند کرده است فلاحه نامشیر و فرضی ماه در پشت آن نقش نموده حاشیه: کلمات و حروف ناخوانا به دلیل سورشارز	مَن: در برج وسط لاله الا الله / محمد رسول الله حاشیه: ---	

جدول ۲- تفکیک مفاهیم و شعائر شیعی در پشت و روی سکه‌ها

شاعر شیعی مشخصات سکه‌ها	نام حضرت علی (ع)	علی المرتضی	علی ولی الله	نام دوازده امام یاصلوات	شیر و خورشید
تعداد سکه‌ها	۲	۲	۴	۲	۱
مکان درج	پشت سکه در حاشیه	پشت سکه در حاشیه	پشت سکه در متن	پشت سکه در حاشیه	روی سکه در متن

یادداشت‌ها

۱. «میرزا ابوالقاسم بابر روزی با خواص و مقربان نشسته بود، سکه ای در دست گرفت و نوشته آن را خواند و گفت: که نام دوازده امام بر آن است. یکی از حضار گفت: هر کس هر نوع اعتقادی دارد، گو می‌دار؛ من بر طریق سنت جماعت ثابتم و مذهب امام اعظم ابوحنیفه دارم» (سمرقندی، ۱۳۸۳، ج ۲: ۱۱۱۸).

۲. کتابی تاریخی به زبان فارسی منتسب به تیمور گورکانی و تحریر ابوطالب حسینی تربتی است که نسبت به دیگر کتاب‌های تاریخی این دوره مانند ظفرنامه شرف‌الدین علی یزدی و ظفرنامه نظام‌الدین شاهی، ارزش تاریخی کمتری دارد. تکرار مطالب و مضامین با عناوین نسبتاً مشابه از انسجام کتاب و خوش آهنگی جملات آن کاسته است (حدادعادل، ۱۳۸۲، ج ۷: ۱۳۷۵، ذیل «تزوکات»).

۳. انگک انداختن یا سورشارژ (countermark)، برخی پادشاهان به محض به سلطنت رسیدن یا غلبه بر سلاطین یا سلسله‌های قبلی با عجله بر روی سکه‌های قبلی سورشارژ کرده‌اند. بعضی با نقر اسم خود یا جمله‌ای، سکه‌ای را به نام خود کرده‌اند.

فهرست منابع

- ابن شهر آشوب. (۱۳۷۹ ق). **مناقب**. قم: علامه.
- الشیبی، کامل مصطفی. (۱۳۵۲). **تشیع و تصوف**. ترجمه ذکاوتی قراگوزلو. تهران: امیرکبیر.
- ابن عربشاه. (۱۳۷۳). **عجایب المقدور**. ترجمه محمدعلی نجاتی. تهران: علمی و فرهنگی.
- ابوحنیفه. (۱۳۴۲). **الفقه الاکبر**. ترجمه المصنف. حیدرآباد دکن: مطبعه مجلس دائره المعارف النظامیه.
- ابن خلدون، عبدالرحمن. (۱۳۵۲). **مقدمه ابن خلدون**. ترجمه محمد پروین گنابادی. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی بن محمد بن علی. (۱۳۸۶). **الموضوعات**. ج ۱. بی‌جا.
- امینی، عبدالحسین. (۱۴۳۰ ه.ق). **الغدير في الكتاب و السنه و الادب**. ج ۵. قم: مؤسسه دائره معارف الفقه الاسلامی.
- بغدادی، احمد. (بی‌تا). **تاریخ بغداد**. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- تاکستن و دیگران. (۱۳۸۴). **تیموریان**. ترجمه یعقوب آژند. تهران: مولی.
- ترابی طباطبایی، سید جمال. (۱۳۴۷). **سکه‌های اسلامی ایلخانی و تیموری**. تبریز: اداره کل موزه‌ها.
- ترابی طباطبایی، سید جمال. (۱۳۵۵). **سکه‌های آق قویونلو و مبنای وحدت حکومت صفویه در ایران**. تبریز: اداره کل موزه‌ها.
- توختی‌ف، عرفان. (۱۳۷۷). **سیاست پولی و مالی تیمور و سکه‌های آنها**. به کوشش بهمن اکبری. قم: کتابخانه بزرگ آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی (ره).

- جعفریان، رسول. (۱۳۶۹). **تاریخ تشیع در ایران**. تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.
- جکسون، پیتر؛ لاکهارت، لورنس. (۱۳۸۷). **تاریخ ایران کمبریج**. ترجمه دکتر تیمور قادری. ج ۶. تهران: مهتاب.
- حافظ‌ابرو، نورالله. (۱۳۷۲). **زبدة‌التواریخ**. به تصحیح سیدجوادی. تهران: وزارت ارشاد.
- حداد عادل، غلامعلی. (۱۳۸۲). **دانشنامه جهان اسلام**، ج ۷. تهران: دائرةالمعارف اسلامی.
- حسینی تربتی، ابوطالب. (۱۳۴۲). **تزوکات تیموری**. تهران: کتابفروشی اسلامی.
- خزایی، محمد. (۱۳۸۰). «نقش شیر نمود امام علی در هنر اسلامی». چاپ شده در کتاب ماه هنر. ش ۳۱ و ۳۲، صص ۳۷-۳۹.
- خواندمیر، غیاث‌الدین. (۱۳۵۳). **حبیب‌السیور**. مقدمه جلال‌الدین همایی. ج ۴. تهران: گلشن.
- زرگری‌نژاد، غلامحسین. (بی‌تا). **تاریخ اندیشه‌های سیاسی در جهان اسلام**. بی‌جا.
- زمچی اسفزاری، معین‌الدین. (۱۳۳۸). **روضات‌الجنات**. به اهتمام سید کاظم. تهران: دانشگاه تهران.
- سلیمانی، سعید. (۱۳۹۱). «**اهمیت علم سکه‌شناسی ایرانی**». چاپ شده در کتاب ماه تاریخ و جغرافیا. ش ۱۷۸، صص ۳۸-۳۹.
- سمرقندی، کمال. (۱۳۸۳). **مطلع‌السعدین**، به اهتمام نوایی. تهران: پژوهشگاه.

- شریعت‌زاده، سید علی اصغر. (۱۳۹۰). **مجموعه سکه‌های ایران زمین** (مجموعه سکه‌های موزه ملک آستان قدس رضوی). تهران: پازینه.
- شیخ طوسی، محمدبن حسن. (۱۴۱۴ق). **الأمالی**. قم: انتشارات دارالثقافة.
- عقیلی، ابی جعفر محمد. (۱۹۸۴م). **الضعفاء الكبير**. ج ۵. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- علامه طباطبایی، سید محمدحسین. (۱۳۷۴). **شیعه در اسلام**. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- فروغیان، صدیقه. (۱۳۹۱). **موزه سکه بانک سپه**. تهران: بخش آموزش بانک سپه.
- قاضی، ابوالفضل. (۱۳۷۷). **حقوق اساسی و نهادهای سیاسی**. تهران: دانشگاه تهران.
- نطنزی، معین‌الدین. (۱۳۳۶). **منتخب التواریخ**. تصحیح جان اوین. تهران: کتابفروشی خیام.
- محمدی‌اشتهاردی، محمد. (۱۳۷۱). **ایرانیان مسلمان در صدر اسلام و سیر تشیع در ایران**. تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.
- ملک‌زاده بیانی، ملک. (۱۳۸۱). **تاریخ سکه از قدیمی‌ترین ازمنه تا دوره ساسانیان**. تهران: دانشگاه تهران.
- منز، بثاتریس. (۱۳۹۰). **قدرت، سیاست، مذهب در ایران عهد تیموری**. ترجمه جواد عباسی. مشهد: دانشگاه فردوسی.
- میرجعفری، حسین. (۱۳۸۵). **تاریخ تیموریان و ترکمانان**. تهران: سمت.
- یزدی، شرف‌الدین علی. (۱۳۳۶). **ظفرنامه**. به اهتمام محمد عباسی. ج ۲. تهران: امیرکبیر.

پژوهشنامه تمدن ایرانی

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

دانشگاه شهید باهنر کرمان

سال اول، شماره اول، پاییز و زمستان ۱۳۹۷

گسست در پیوند نخبگان دینی و سرآمدان قدرت در عصر ساسانیان

(مطالعه موردی: مانی)

پرویز حسین طلایی^۱

داریوش سنجری پور^۲

چکیده

در طول تاریخ ایران به ویژه دوره ساسانی، شماری از نخبگان دینی، سیاسی و اجتماعی که قصد داشتند در ساختار جامعه اصلاحاتی انجام دهند، قربانی بستر اجتماعی نامساعد همان شرایطی شدند که عزم اصلاح آن را داشتند؛ از جمله این نخبگان می توان به مانی اشاره کرد. اینکه چه مشخصه‌هایی مانی را جزو نخبگان قرار داده است و چرایی و چگونگی حمایت و طرد وی به وسیله شاهان ساسانی یا به عبارتی تحلیل پیوند و گسست به وجود آمده میان آنان، در چارچوب نظریه نخبگان ویلفردو پارتو، هدفی است که این تحقیق بر آن استوار است. روش تحقیق از نوع توصیفی - تحلیلی است. این پژوهش نشان خواهد داد که مانی با توجه به اوضاع مختلط فرهنگی، مذهبی و سیاسی زمانه خود، آیینی را که تا حدودی از التقاط با سایر ادیان به وجود آمده بود، بنیان گذارد. این آیین در ابتدا مورد توجه شاپور یکم قرار گرفت که در صدد فرمانروایی بر ایران و انبران بود؛ چراکه ادیان و مذاهب همه شاهنشاهی را در برمی گرفت و سبب یکپارچگی در قلمرو شاهنشاهی می شد؛ در ادامه بهرام یکم، بزرگان و درباریان، وجود مانی را نه فقط به خاطر ترس از جانشینی پادشاه، بلکه به خاطر حسد به علم، توانایی، دارندگی‌ها و محبوبیت وی برنتابیدند و او را به قتل رسانیده و پیروانش را نیز تحت تعقیب قرار دادند.

واژه‌های کلیدی: ساسانیان، شاپور یکم، بهرام یکم، نخبگان دینی، مانی، کرتیر، پارتو.

^۱. استادیار گروه تاریخ دانشگاه شهید باهنر کرمان. (نویسنده مسئول). parviztalae@gmail.com

^۲. کارشناس ارشد علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.